



اسطوره‌کاوی نقوش سنگ‌نگاره‌های ناهوک سراوان و بررسی حضور آن در زندگی انسان امروز منطقه

کلثوم بزی

دکتر غلامعلی حاتم

چکیده: سراوان و ناهوک مجموعه‌ای از دره‌ها و کوهستان‌هایی است، مملو از نقوش حیوانی شامل بز، اسب، شتر، گریه‌سانان و جوندگان که با ظرافت و طبیعت‌گرایی به زیبایی نقش شده‌اند، نقوش انسانی که تکامل فرهنگ پوشش و شکار را نشان می‌دهند، نقوش گیاهی که مربوط به دوره‌های جدیدتر و منسوب به زرتشتیان است و نقوش نمادین شامل انسان بالدار و فنجان‌نماهایی که جهت گاه‌شماری استفاده می‌شده است، آیا این نقوش توسط شکارگران پارینه‌سنگی و نوسنگی، در دوره‌های مختلف ایجاد شده و با آیین‌های شکار و پرستش در ارتباط بوده است؟

این پژوهش با هدف شناخت و معرفی سنگ‌نگاره‌های منطقه ناهوک سراوان و بررسی دلایل ایجاد نقوش از سوی مردم بدوی آن سامان، و چگونگی حضور این نقوش در زندگی مردم امروز منطقه انجام شده است. روش تحقیق به صورت میدانی و ثبت مشاهدات و مصاحبه بوده و با استفاده از نظریه کهن‌الگوهای یونگ و آرای کمبل در باب اسطوره، به تحلیل نقوش پرداخته است. در نتیجه این تحقیق، سنگ‌نگاره‌های مناطق مختلف سراوان معرفی شده است.

واژگان کلیدی: اسطوره کاوی، سنگ‌نگاره، ناهوک سراوان

مقدمه

شناخت اساطیر به لحاظ دستیابی به اصل و ریشه مهارها و عوامل محدود کننده ذهن و رفتارهای اجتماعی و یا بالعکس، عوامل مشوق و پیش برنده قوم، در زمان کنونی میتواند بسیار نتیجه بخش باشد. نگاره‌های اقوام مختلف آیینی است که اساطیر و باورهای اقوام را نشان می‌دهد. یکی از منابع بسیار مهمی که می‌تواند در روشن نمودن بخش‌هایی از زوایای تاریک گذشته بشری به کمک پژوهشگران آید، نقوش ایجاد شده بر روی سطوح سنگ‌ها و یا صخره‌ها می‌باشد. انسان در اعصار گذشته خصوصاً در دوران پیش از تاریخ برای انتقال پیام‌ها و مفاهیم ذهنی خود اقدام به ترسیم یا ایجاد نقوش و علائم خاصی بر روی سطوح مختلف قابل دسترسی خود نموده است. این پژوهش در تلاش است با مطالعه در نقوش سنگ‌نگاره‌های باستانی دره ناهوک سراوان در استان سیستان و بلوچستان، به اساطیر و هسته مرکزی هر اسطوره نزدیک شود و آن را بشکافد تا به شناخت چگونگی زندگی، جامعه و اندیشه صاحبان آن اساطیر نزدیک شده و پیام آنها را دریابد. چنین تلاشی برای شناخت صاحبان اساطیر، تنها

در همان محدوده زمانی کهن باقی نمی‌ماند، سعی پژوهشگر این است که هر چند نه به طور صریح و آشکار، ریشه اندیشه‌ها و تفکرات و تبیینات کنونی همان جوامع را که بی شک متأثر از دوران اساطیری شان هستند، شناخته و یا حداقل به شناخت آن نزدیک شود.

صخره‌نگاره‌ها و معناهای اساطیری

هنر صخره‌ای دارای ابعاد جغرافیایی وسیعی می‌باشد و در بسیاری از نقاط دنیا بدست آمده است. این هنر، از زمانی از دوران پیش از تاریخ (دوران پارینه سنگی، نوسنگی، برنز)، تاریخی تا سده جدید را در بر می‌گیرد و از بدوی‌ترین هنرهای انسانی محسوب می‌گردد. هنر صخره‌ای یک مفهوم عام بوده و کار بر روی سنگ به عنوان بستر و وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم، پیام‌ها و... را در برمی‌گیرد. سنگ‌نگاره‌ها با دو روش نقوش‌کننده و نقاشی ایجاد شده‌اند که در ایران نیز نمونه‌هایی از هر دو شیوه بدست آمده است. اما تعداد نقوش‌کننده بسیار بیشتر از نقاشی‌ها گزارش شده است. (سلطانی، ۱۳۸۹، ۱۳)

سنگ‌نگاره‌ها یا هنرهای صخره‌ای^۲ کهن‌ترین آثار

* نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز. kolsoum.bazzi@yahoo.com
* عضو هیئت علمی و استاد دانشگاه هنر. gh.hatam@yahoo.com

بیش و کم همان معنایی را می‌دهد که به زیست نیاکانش داده بود از دید او اساطیر به انسان می‌آموزد که به درون برگردد و شروع به دریافت پیام نمادها کند. (کمیل، ۱۳۸۸، ۳۳)

سنگ‌نگاره‌های سراوان در رشته‌کوه‌های سپاهان نقش شده است. این رشته‌کوه از یک سو، از ناحیه سرحد بلوچستان و حوالی تفتان شهرستان خاش بنام کوه‌های مورپیش و گزور شروع شده و در ادامه مسیر بطرف شرق از شمال شهر سراوان گذشته و در ناحیه مرزی کوهک از مرز شرقی کشور ایران خارج در محلی بنام سبزکوه در حوالی شهر پنجگور وارد کشور پاکستان شده و این رشته کوه‌ها پس از عبور از شهر کویت به مرتفع‌ترین قله آن بنام بزکوه بنام کوه‌های سلیمان شناخته می‌شود. در میان این رشته کوه در شمال شهر سراوان دره‌های متعددی وجود دارد که در اکثر قریب به اتفاق آنها این گونه نقوش دیده می‌شود.

مجموعه‌ای جالب توجه از نقوش نمادین و سمبلیک متنوع (حدود ۱۷ نقش مجزا) بر روی صخره‌های به ابعاد تقریبی ۲×۳ متر در جبهه جنوبی روستای ناهوک با استفاده از مواد و کانی‌های رنگی طبیعی همچون اکسید آهن یا منیزیم یا طیفی از رنگ‌های قهوه‌ای تیره تا سیاه نقاشی شده‌اند. یک صخره صاف بزرگ در کنار آب، با نقوش گیاهی و نمادین که بر خلاف نگاران به شیوه پیکتوگرام نقاشی شده و بسیار جدیدتر از نقوش نگاران و شیروپلنگان به نظر می‌رسند. مردم محلی این نقوش را به گورها (گبرها، پیروان آیین زرتشت) نسبت می‌دهند. ممکن است این نقوش با آیین‌های پرستش و آب و رودخانه در ارتباط بوده باشد.

در حدود ۳۶ کیلومتری شمال غربی روستای ناهوک و حدود ۷۰ کیلومتری شهر سراوان در انتهای دشت وسیع آبرفتی سردشت ناهوک در میان دره‌های پر آب و با صفا مجموعه‌ای کم‌نظیر از نقش و نگارکننده بر روی سینه سنگها و صخره‌ها به چشم می‌خورد که شاید از نظر تعداد و تراکم نقوش در یک محدود کوچک (که به بیش از هزاران نقش می‌رسد) بتوان آن را بزرگترین مجموعه معرفی و شناخته شده سنگ نگاره در ایران معرفی نمود. نقوش دره نگاران را می‌توان در سه دوره قدیم و میانه و جدید مورد مطالعه قرارداد. این نقوش بیشتر نقش‌های انسانی و حیوانی هستند، کهن ترین نقوش آن متعلق به هزاره‌های چهارم تا هشتم قبل از میلاد ولی عمده نقوش آن متعلق به دوره میانه آن، یعنی هزار تا هزار و پانصد سال قبل از میلاد می باشد. از مهم ترین نقوش آن می‌توان به نقوش انسانی به دو صورت با لباس یا بدون لباس (ملبس یا برهنه) و نقوش حیواناتی همانند اسب، خر وحشی، قوچ، کل و بز، جبیر، مار، گاوکوه‌نادر، شتر دوکوهانه، سگ، گرگ، روباه، گاو میش، یوزپلنگ و پلنگ و غیره نام برد. (گزارش‌های ثبتی کارشناسان میراث فرهنگی، ۱۳۸۵)

تاریخی و هنری بجامانده از بشرند. به تعبیری بستر بوجود آمدن حروف رمزی، خط، تبادل پیام، زبان، تاریخ، اسطوره‌ها، هنر و فرهنگ از سنگ نگاره‌هاست و آنها از بهترین ابزارهای رمزگشایی ماقبل تاریخ هستند. تعداد مکشوفه آنها فقط در یک منطقه محدود در ایران به بیش از ۲۱ هزار مورد می‌رسد که عمر بعضی از آنها چهل هزار سال است و بشر تا کنون موفق به کشف هیچ پدیده تاریخی و هنری بدین قدمت نشده است. وجود برخی شباهت‌های حیرت‌انگیز بین برخی نگاره‌های ایران و جهان، بخصوص برخی نگاره‌های کمیاب اروپا ممکن است پرسش‌های تازه و بنیادینی را در ذهن مردم شناسان، باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان هنر برانگیزد و ریشه‌یابی و بن‌جویی این شباهت‌های حیرت‌انگیز در سطح نظری، برخی مکاتب نظری جامعه‌شناسی را تحت تأثیر قرار دهد. (فرهادی، ۱۳۷۴، ۱۵)

در فهم عامه و در برخی فرهنگ‌ها، اسطوره معنی آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد یافته است؛ اما اسطوره را باید داستانی مینوی دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌های طبیعی است به صورت فراسویی که دست‌کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. (آموزگار، ۱۳۸۸، ۳)

نظریه‌های اسطوره چه بسا قدمتی برابر با خود اسطوره‌ها داشته باشند، آنچه مسلم است اینکه قدمت نظریه‌های اسطوره دست‌کم به دوران پیش از سقراط می‌رسد. اما این نظریه‌ها تازه در دوران مدرن و مشخصاً از نیمه دوم قرن نوزدهم، قالب علمی یافته‌اند، چون تازه از آن تاریخ است که رشته‌های تخصصی پدید آمده که در آنها سعی بر ارائه نظریه‌هایی واقعاً علمی درباره اسطوره بوده است. (سیگال، ۱۳۹۰، ۷)

امروزه ما به لطف نمایه‌های نمادین و اسطوره‌های به یادگار مانده، در حال کشف تاریخ باستان هستیم و هرچه باستان‌شناسان بیشتر به گذشته نزدیک می‌شوند دل‌بستگی ما به رویدادهای تاریخی کمتر می‌شود و به پیکره‌ها، نقاشی‌ها، معابد و خطوطی که برای ما باورهای انسان قدیم را آشکار می‌کند، بیشتر پاره‌ای نمادها را هم فلاسفه و مورخین دینی با ترجمان این باورها به زبان قابل فهم امروزی ارایه می‌کنند. مردم شناسان نشان داده‌اند که هنوز هم شکل‌های نمادین در آیین‌های مذهبی و اسطوره‌های قبایل کوچک امروزی بدون کمترین تغییری در روند قرن‌ها یافت می‌شوند. (یونگ، ۱۳۸۷، ۱۵۶)

ژوزف کمیل^۳ ردپای اساطیر را در زندگی و رفتارهای امروز بشر می‌جوید. او هر رفتار، تفکر، علامت و اختراع بشری را نشانه‌ای می‌بیند که نمونه‌های اساطیری آن در گذشته نیاکان بشر وجود داشته و امروز به زندگی انسان،

خواهد بود. درمقایسه با نقوش عصر شکار در دره سند نیز به شباهت‌ها و تفاوت‌های جالب می‌رسیم. نقوش حیوانی همچون آنچه در نگاران میبینیم در اندازه‌های کوچک (به طول ۲۰-۱۵ سانتیمتر) حکاکی شده‌اند اما نقوش انسانی در دره سند برخلاف نگاران در اندازه‌های طبیعی کار شده است. نقش پنجه دست نیز در هر دو مکان و در اکثر صحنه‌ها اندازه طبیعی خود را دارد. (36 bandini-konig & others, 1997,

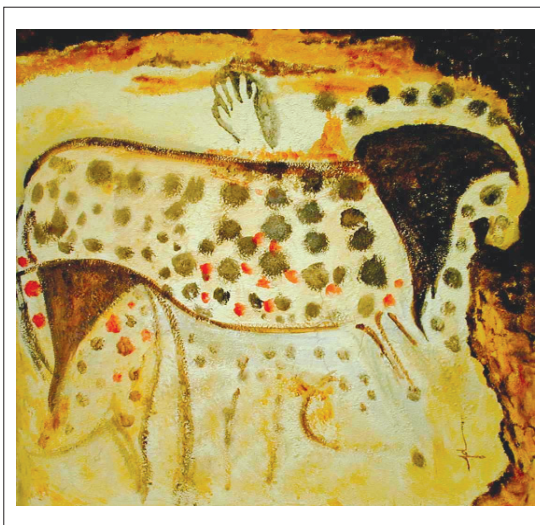
فراوانی نقوش حیوانی بیش از باقی نقوش است. نقش بز کوهی، اسب، خر وحشی، شتر، گاو، حیوانی شبیه مورچه‌خوار با خرطوم بلند، گربه‌سانان و سگ‌سانان و مار از جمله نقوش حیوانی موجود در سنگ نگاره‌های سراوان است، که در این میان نقش بز بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده است و این می‌تواند ناشی از احترام و اهمیت خاصی باشد که بز در ایران برای مردم داشته است.



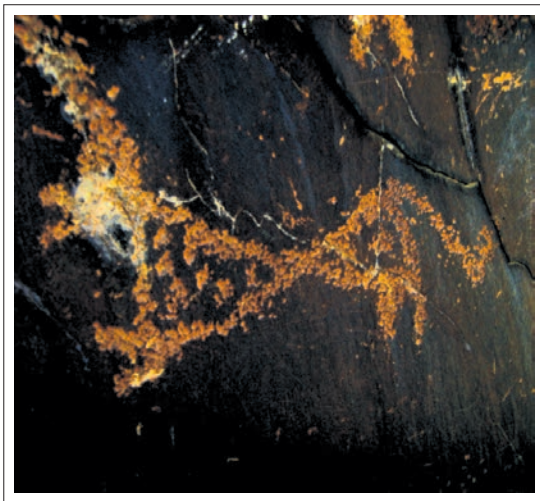
تصویر ۱: صحنه شکار دسته جمعی در دره نگاران، در ناهوک.



تصویر ۲: نمای عمومی از موقعیت سنگ‌نگاره‌ها در دره نگاران ناهوک



تصویر ۳: اسب خالدار دره‌نگاران ناهوک، تصویر این اسب خالدار قابل مقایسه با تصویر اسب خالدار لاسکو در فرانسه می‌باشد.



تصویر ۴: اسب خالدار لاسکو در غار لاسکو در فرانسه، (Grand, 1967, 38-39).

وجود رودخانه‌های کوچک و بزرگ در میان دره‌های کوه‌ها، آبخوری مناسب برای حیوانات و به همین نسبت شکارگاهی مناسب برای شکارچیان در زمان‌های قدیم بوده است. سطوح نسبتاً صاف و هموار صخره کوه‌ها محل مناسبی برای ترسیم و ثبت وقایع روزمره عصر پیش از تاریخ بوده است. انسان شکارگر در تداوم سنت نگارگری و نقاشی دهها هزار ساله غارها اقدام به ترسیم طبیعت وحشی پیرامون خود نموده است. تداوم این تفکر و سنت شکار را در حال حاضر نیز می‌توان در جوامع ابتدایی نقاط دور افتاده دنیا مشاهده نمود.

با اینکه نقوش بلوچستان شباهت‌های بسیاری با نقوش دیگر مناطق ایران دارد اما مقایسه این نقوش با مشابه آن در همسایه شرقی یعنی دره سند (که امروزه برخی از مردم منطقه خود را به این فرهنگ نزدیک‌تر می‌دانند) نیز جالب توجه

هر یک از اقوام باستانی، بز کوهی را مظهر یکی از عناصر مفید طبیعت در نظر می‌گرفتند. انسان اولیه در وحشت و اضطراب دائمی به سر می‌برد. او از نیروی شیطان می‌ترسید و محرکی می‌خواست تا از او در برابر این نیروی جادویی محافظت کند. به همین دلیل متوسل شد به انواع طلسم، تعویذ، افسون و نیز ارواح محافظ و تا سرحد پرستش آنها پیش رفت. مطالعه در مصنوعات ماقبل تاریخی انسان به ماکمک می‌کند تا به میزان علاقه او در نشان دادن و معرفی آنچه که به عنوان خدا می‌پرستیده پی ببریم. به عنوان مثال، نقاشی خورشید و حیوانات مرتبط با آن مانند عقاب، شیر، گاو، گوزن و بز کوهی در آثار سفالی که به هزاره‌های چهارم پیش از میلاد برمی‌گردد، دیده می‌شود. مردم، به خصوص در قبایل کاسی لرستان، گردنبندهایی با آویز بز کوهی داشتند. (ناصری فرد، ۱۳۸۸، ۱۳۷)

این مردمان به یک مدافع (محافظ) احتیاج داشتند؛ چرا که از دیرباز معتقد بودند که طوفان، سیل، حیوانات وحشی و حتی انسان‌های دیگر، خانه او، احشام و محصولاتش را تهدید می‌کنند. لذا چون می‌خواستند در امان باشند شروع کردند به پرستش الهه‌گان یا اشیا یا حیواناتی که در نظر آنان همانند خدایان بودند. بین بز کوهی با آن شاخه‌ای خمیده و منحنی و هلال ماه رابطه‌ای وجود داشت. به همین علت بود که اعتقاد داشتند شاخه‌ای قوسی بز کوهی می‌تواند باعث بارش باران شود.



تصویر ۸ و ۹: نقش بز در دره نگاران (هر دو تصویر)

طبقه‌بندی حیوانات در هر جامعه‌ای بر معیارهای گوناگونی استوار است، اما برای ایرانیان باستان ملاک اصلی تقسیم بندی مخلوقات، خوب یا بد بودن آنهاست. در مورد جانوران باور دارند که حیوانات موذی توسط اهریمن آفریده شده اند و انسان مکلف به نابودیشان است. حیوانات مخلوق اهورا مزدا مقدس و مفیدند، حیوانات مفید برای انسان و خدمت به او آفریده شده اند و از همین رو قوانین گوناگون برای حمایت از آنها وضع شده است. (باتری، ۱۳۹۱، ۵۴)



تصویر ۵: نمونه‌ای از تصویر شتر در میان نقوش دره نگاران ناهوک



تصویر ۶: حیواناتی شبیه چوندگان، دره نگاران ناهوک



تصویر ۷: نقش مار، دره نگاران



■ تصویر ۱۲: مقایسه انسان بالدار (شبه عقاب) در میان سنگ‌نگاره‌های تیمره در خمین و آمریکا با مشابه همین نقش در نگاران ناهوک، نشان از اسطوره‌ها، خدایان و تفکرات مشترک و هم‌ریشه می‌تواند داشته باشد (عکس از محمدرضا ناصری فرد، ۱۳۸۸)



■ تصویر ۱۳: شبه عقاب یا عقاب چهره.



■ تصویر ۱۴: نقش انسان برهنه با شمشیر دره نگاران

نقوش انسانی، به همان نسبتی که باید بین صید و صیاد وجود داشته باشد، نسبت به جانوران کمتر است. (فرهادی، ۱۳۸۹، ۱۶۱) انسان‌ها در نقوش دره نگاران به صورت پیاده و سواره و کمانداران در حال شکار، برهنه و پوشیده، قابل تشخیص هستند. به طور خاص در دره نگاران، تصویری از انسان بالدار که نمونه آن در نقوش سایر نقاط ایران و جهان دیده شده است و نقشی که به صورت منفرد و بر صخره‌های دورتر نقر شده است و به نظر می‌آید نمایش زایمان باشد، دیده شده است. برخی تصویر مزبور را مردی با اندام نرینگی توصیف کرده‌اند. نقشی که با نام انسان بالدار از آن یاد می‌شود به نظر برخی محققان (ناصری فرد) شبیه انسان‌های فرازمینی با کلاه‌خود و لباس سراندراپا معرفی شده است. به نظر ایشان هنرمند با نقطه‌چین مسیر فرود وی به زمین را نیز مشخص کرده است و شگفت‌انگیز آن که دقیقاً شبیه آن در پرو هم کشف شده است. انسان بالدار یا شبه عقاب و یا عقاب چهره، ممکن است از دیدی دیگر خود پرنده باشد و یا اینکه همچون نمونه‌های آفریقایی‌اش، شمعی در لباس توتم قبله بوده باشد. هرچند نقش عقاب و به طور کلی پرنده، در نقوش دره نگاران بسیار نادر است.



■ تصویر ۱۵: تصویری که با تحلیل‌های متفاوتی از سوی بینندگان همراه است، برخی آن را مردانگی می‌نامند عده‌ای عنوان زنی در حال زایمان را به آن اطلاق می‌کنند.



■ تصویر ۱۶: نمونه‌ای از انسان بالدار یا انسان درحال عبادت

و پرستش آن خصلتی بود که انسان‌های کرمانیون (از حدود ۲۵ هزار سال پیش) به آن پای بند بودند و پرستش گیاهان از آن جمله بود. قبایل بدوی برای درختان قوه و روح و توان تولید قائل بودند توسل و دعا در برابر درختان و نباتات به منظور التجا به قوه طبیعت بود و از آنها فراوانی غلات و بهبود زراعت و افزایش گله و رمه و حتی زایش زنان عقیم را طلب می‌کردند. (همان، ۲۶)



■ تصویر ۱۵: تصویری که به نظر می‌رسد نقش یک زن باشد که دامنش را گرفته، یا شکلی از یک چراغ فانوس و یا حتی پرند



■ تصویر ۱۶ و ۱۷: دو نمونه از فنجان نماها در دره‌نگاران که به نظر می‌رسد به منظور گاه‌شماری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.



■ تصویر ۱۸: نقوش گیاهی که در کنار رودخانه ناهوک، معروف به پیرگوران وجود دارد. جایی که محلی‌ها معتقدند؛ پرستشگاه زرتشتیان بوده است، یادآور آن‌هایتا الهه آنها و باروری می‌باشد.

برخلاف وفور جانوران، نقوش گیاهان در این حکاکی‌ها بسیار اندک است. گویاترین تصاویر گیاهی در نقوش پیرگوران دیده شده است. این نقوش که به صورت نقاشی و با اکسیدهای فلزی نقش شده‌اند، مربوط به دوران تاریخی بوده و همانطور که پیشتر اشاره شد مردم منطقه آنها را به پیروان زرتشت نسبت می‌دهند. این نقوش در کنار رودخانه بر تخته سنگ بزرگ یک تکه ای نقاشی شده‌اند و نیزه‌ای سه شاخه که در اساطیر یونان نماد پوسیدون خدای دریاهاست نیز در این نقاشی‌ها دیده می‌شود. به زعم فرهادی شاید این مسئله نشان دهنده این واقعیت است که در آن دوره، گیاهان فراوان بوده‌اند و به دلیل وفور در منطقه وجودشان برای انسان شکارگر چندان مهم نبوده است. (فرهادی، ۱۳۸۹، ۱۶۲) هرچند به نظر نگارنده عکس این مسئله نیز می‌تواند تا حدودی صادق باشد، شاید نبود و کمبود گیاهان دلیل کمبود حضورشان در میان نقوش بوده است. خانیکی و بشاش در کتاب سنگ‌نگاره‌های لایخ مزار بیرجند، نقوش گیاهی و معانی احتمالی آنها را اینگونه تشریح می‌کنند: «نوعی دیگر از شکل‌ها که به شکل شاخه وارونه ترسیم شده‌اند، گروهی از انسان‌ها هستند که در یک خط پشت سر هم ایستاده‌اند. این اشکال درخت مانند به عصر کهن سنگی مربوط می‌شود.» همچنین وی شکل‌های درخت مانند را به عصر نوسنگی متعلق دانسته و معتقد است از آنجاکه در آن زمان اجتماع نسبت به فرد اهمیت بیشتری داشته نقاشی به این وسیله خواسته افراد قبیله را نشان بدهد. (خانیکی و بشاش، ۱۳۷۳، ۲۵) توجه به مظاهر طبیعت

کمان، سلاحی ظریف و نیرومند است که در نهایت اعتبار، سایه تسلط خود را بر عصر سلاح‌های بیصدا گسترده، دوران سلاح‌های آتشین را پشت سر گذاشته و همچنین به حیات خود ادامه می‌دهد. کمان به شکارچی امکان می‌دهد که از فاصله دور به حیوان بسیار نیرومندتر از خود حمله کند و بدین ترتیب از مخاطرات یک برخورد رودرو بپرهیزد و در ضمن در مواجهه با شکارهای تیزرو بتواند کندروی خود را در رسیدن به شکار جبر زیادی از پرتاب کند به سوی حیوانات مشاهده می‌شود. بسیاری این اختراع را پایان دوران توحش بشر می‌دانند. (همان، ۳۹) در بسیاری از نقوش نیز پیاده‌ها و سوارانی دیده می‌شوند که با شمشیرهایی که در دست دارند به شکار حمله می‌برند.

مقایسه تطبیقی برخی از نقوش سراوان با نقوش سایر نواحی نشان می‌دهد که نقوش این منطقه بیشتر به شکل حکاکی و با استفاده از ابزارهای نوک تیز و مشت‌سنگ‌ها ایجاد شده است. البته رسوبی و نرم بودن سنگ‌های این رشته‌کوه‌ها نیز باعث شده که ایجاد خراش با سنگ به راحتی در آنها صورت گیرد. هرچند این احتمال وجود دارد که تصاویر، همه در یک دوره معین و همزمان توسط فرد یا افرادی که در این کار نسبت به سایرین مهارت بیشتری داشته‌اند انجام شده باشد. این مورد می‌تواند یک دست بودن فنون به کار رفته و حتی سبک‌های مورد نظر را تا اندازه قابل توجه تحت تأثیر قرار دهد و کار مطالعه را حساس‌تر نماید. (رفیع فر، ۱۳۸۱، ۶۱)

به نظر انسان پارینه‌سنگی، میان تصویر و واقعیت تمایز خاصی دیده نمی‌شود، به نحوی که با خلق تصویر جانور، تلاش می‌شد که آن را بگیرند، به عبارتی با رسم آن تصویر، آنان مطمئن می‌شدند که روح جانور را کشته‌اند و تصویر تصویری مرده است و در شکار بعدی امکان کشیدن تصویری دیگر بر روی آن وجود دارد. همان‌طور که در تصاویر دو غار لاسکو و آلتامیرا می‌توان گفت که هدف آفریدن بوده است، با نیت افزایش ذخیره شکار. (آتاتی، ۱۳۸۳، ۱۱۱)

کهن‌الگوهایی که کشف و درک شده‌اند، آن‌هایی هستند که طی تاریخ و فرهنگ بشریت، تصاویر اسطوره‌ای، الهامی و آیین را برانگیخته و ایجاد کرده‌اند. این جاودانان رویایی را نباید با اشکال سمبلیک شخصی‌ای که در کابوس‌ها و شوریدگی‌های فرد مضطرب ظاهر می‌شوند، اشتباه گرفت، در اسطوره‌ها، مشکلات و مسائلی مطرح می‌شوند که در مورد تمام افراد بشر صدق می‌کنند. (کنگرانی، ۱۳۸۸، ۸۲)

زنان ناهوک، هاوهای سنگی خود را از بستر رودخانه ماشکید می‌جویند و با همان آیین‌مندی گذشته به

در فنجان نماهای نگاران گودی‌های ایجاد شده از عمق و قطر کمتری برخوردارند تا جایی که بعد از گذشت زمان طولانی آثار به‌جامانده از آنها گاهی به سختی قابل مشاهده‌اند. این گروه فنجان‌نماها در تعداد و ردیف‌های مختلف ایجاد شده‌اند. کمترین تعداد آنها سه فنجان‌نمای متوالی در یک ردیف پشت سرهم می‌باشد که بیانگر دو شاخصه از جهات چهارگانه است.

به درستی سنگ‌نگاره‌ها، حتی از ابزارهای سنگی و استخوانی نیز بیشتر گذشته آدمیان را برای ما بازگو می‌کنند. این عکس‌های ماقبل تاریخی، آدمیان را با ابزارهایش، هیئت و شمایل و ژست‌هایش، شکارها و شکارگاه‌هایش با هم نشان می‌دهد. در این سنگ‌نگاره‌ها نیز ابزار و ابزار ساز و شیوه استفاده از ابزار با هم نموده شده‌اند. (فرهادی، ۱۳۷۴، ۳۷) در سنگ‌نگاره‌های ناهوک از ابزارهایی که آشکارا دیده می‌شود می‌توان به تیر و کمان، نیزه، کمند، شمشیر و چیزهایی شبیه گرز و چماق اشاره کرد. بر اساس داده‌های باستان‌شناسی کلیه گروه‌های دیرینه‌سنگی جدید، وسایل مکانیکی ساده‌ای از قبیل کمان و نیزه اختراع کردند. شاید کمان نخستین دستگاه مکانیکی باشد که فکر انسان بوجود آورده است. در حقیقت نیروی محرکه کمان، همان انرژی عضلانی است که به هنگام کمانکشی به تدریج در پیچ و تاب خم کمان انباشته شده و به یکباره با فشار تیر را رها می‌سازد. (همان، ۳۸)



تصویر ۱۹: استفاده از تیر و کمان در سنگ‌نگاره‌های دره نگاران ناهوک



تصویر ۲۰: استفاده از کمند در نقوش دره نگاران

زیادی با جَنّی در این منطقه دارد. رفیع فر معتقد است مناسبک شمنی از لحاظ سنتی رابطه نزدیکی با امر شکار داشته است. هدف آن بوده است که ارواح جانوران را به خدمت بگیرند و امر شکار را ساده تر کنند. (همان، ۱۴۸)

بسیاری از مصاحبه‌شونده‌ها گله دار، کشاورز و شکارچی بودند. پدرانشان نیز به همین مشاغل اشتغال داشته‌اند، حتی کسانی که در شهر زندگی می‌کردند و شغل‌های دولتی داشتند هم در منزل به نگهداری بز و گوسفند می‌پرداختند، بز در میان مردم از اهمیت خاصی برخوردار است، از بز کوهی به نام «شکار» یاد می‌کردند. اگر اصالت طرح را به نقاش شکارگر بدهیم پس هر کدام از شکارچیان دره نگاران، قهرمانی بوده است و می‌توانسته در پی جاودانگی، داستان قهرمانی و شکار خود را بر صخره‌ها حک کرده و به قول کمبل سفر قهرمان را کامل کرده باشد و به زعم یونگ، کهن الگوهای خود را به سرانجام کمال رسانده باشد. شاید هم فقط برای ازدیاد شکار به نقش آنها پرداخته‌اند.

◆ نتیجه‌گیری

سنگ‌نگاره‌های دره نگاران در ناهوک سراوان، با توجه به تنوع و فراوانی که در نقوش آنها دیده می‌شود ضمن اینکه نشانگر شکارگرانی هنرمند می‌باشد، سبک زندگی آن مردم و اخلافاشان را نیز به روشنی نشان می‌دهد. این سنگ‌نگاره‌ها در زمان‌های مختلف و در کنار هم ایجاد شده‌اند. تأثیر محیط طبیعی و معیشت بر پیدایی و چگونگی تکامل نقوش آشکار است و حیواناتی که در سنگ‌نگاره‌ها به تصویر کشیده شده اند قابل مقایسه با گونه‌های بومی و وحشی شناخته شده در بلوچستان می‌باشند. انسان بدوی منطقه ضمن تعیین قلمرو شکار خود با این اشکال، خواسته قدرت خود را نیز به نمایش بگذارد، وی آنچه را که در محیط خود دیده نقش کرده و این نقش تأثیر مستقیمی بر معیشت وی داشته است. انگار همان دلیل قدیمی و جادویی که نقاشی حیوانات شکار باعث ازدیاد شکار می‌شده در اینجا نیز صادق است. در دنیای پارینه‌سنگی، انسان، خوراک، شکار و آنچه تأمین نیازهای اولیه زنده ماندن بوده است، را ارجح بر هر نیازی شناخته و هر آنچه این نیاز را برآورده ساخته دارای اهمیتی در حد تقدیس شده است.

هنوز هم نگهداری از حیوانات اهلی و بخصوص بز در زندگی مردم امروز منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است، از زنان سالخورده مستمند و تنها گرفته تا کارمندان بخش های دولتی در منازل خود به نگهداری بز مشغول هستند و آن را برکت خانه و مونس تنهایی خود می‌دانند. کمک و همکاری و می‌آرداری^۵ که در صحنه‌های شکار دسته جمعی

ساییدن سبزیجات و ادویه‌های عجیب و خوش طعم پرداخته و غذا طبخ می‌کنند و مردان هنوز سر درپی گله‌ها و شکار پلنگ در کوهستان‌ها سرگردانند. به نظر کمبل سنت‌های عرفانی به زعم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، در فراخواندن ما به آگاهی عمیق‌تری که نفس عمل زیستن است هم‌نوایی دارند. (کمبل، ۱۳۸۸، ۱۳-۱۲)



■ تصویر ۲۱: تداوم شکار، شکارچیان امروز دره شیرو پلنگان که به شیوه نیاکان خود زندگی و شکار میکنند، با این تفاوت که تفنگ جایگزین کمان و کماندشان شده است.

اسطوره‌شناسی، آنچه را که پشت ادبیات و هنر نهفته است آشکار می‌سازد و با شما از خودتان سخن می‌گوید. (همان، ۳۲) به زعم فرانتس بواس^۴ نیز، یکی از ویژگی‌های هنر ابتدایی که صخره‌نگاری باستانی را نیز شامل می‌شود، خاصیت نمایش غیرهنری نگاره‌هاست. اینکه در نقش این نگاره‌ها، هر دغدغه‌ای برای بشر اولیه بر حس زیبایی‌شناسی رجحان داشته است. (بواس، ۱۳۹۱، ۱۳۱) بر این اساس، به نظر می‌رسد برخی حیوانات بخصوص بز کوهی در منطقه به عنوان توتم استفاده می‌شده‌اند. به زعم فروید، توتم با سبک احساس امروزی ما فرق دارد.

هنوز در بسیاری از مناطق جهان، مردمانی زندگی میکنند که مناسبک شمنی را حفظ کرده‌اند. در این نوع مناسبک اغلب با ارواح (اشباح) خاص تماس برقرار میشود و حاضران در مراسم با مطرح کردن تقاضاهایشان از آن ارواح طلب کمک می‌کنند. این ارواح از زبان شمن با جماعت حاضر در مراسم ارتباط برقرار می‌کنند. (رفیع فر، ۱۳۸۴، ۱۴۷) امروزه در مناطق شهری و روستایی سیستان و بلوچستان، کسانی به نام جَنّی وجود دارند که ادعا می‌کنند با اجنه و ارواح در ارتباطند و مردم برای بهبود بیماران، پیدا کردن گمشده و سارق و مسائلی از این دست به آنها مراجعه میکنند. شمن در برخی از مناطق ایران و جهان، شباهت

انسان شناسی هنر، سایه نگاری های سنگی بی چشم: هنر پیش از تاریخ در استان مرکزی، انتشارات فرهنگستان هنر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۹.

۷- کمبل، جوزف، قدرت اسطوره؛ گفتگو با بیل مویرز، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۸.

۸- لباف خانیکی، رجیعی و بشاش، رسول، سلسله مقالات پژوهشی الاخ مزار بیرجند، انتشارات میراث فرهنگی کشور، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.

۹- ناصری فرد، محمد، سنگ نگاره های ایران- نمادهای اندیشه نگار، ناشر مؤلف، چاپ اول، خمین، ۱۳۸۸.

۱۰- یونگ، کارل گوستاو، انسان و سمبولهایش، ترجمه: محمود سلطانی، جامی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۷.

◆ مجلات

۱- آناتی، امانوئل، هنر صخره ای، ترجمه: مهران هاشمی، کتاب ماه هنر، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.

۲- رفیع فر، جلال الدین، سنگ نگاره های ارسباران، نامه انسان شناسی، شماره اول، دوره اول، تابستان ۱۳۸۱.

۳- کنگرانی، منیژه و فکوهی، ناصر، تحلیل تک اسطوره نزد کمبل با نگاه به اسطوره یونس و ماهی، پژوهشنامه ویژه نقد اسطوره ای، انتشارات فرهنگستان هنر، شماره ۱۴، ۱۳۸۸.

۵- گزارش های ثبتی کارشناسان میراث فرهنگی استان سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۵.

۶- فرهادی، مرتضی، موزه‌هایی در باد (معرفی سنگ نگاره های نویافته تیمره)، فصل نامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۸ و ۷، ۱۳۷۴.

◆ منابع انگلیسی

16. Bandini-konig, ditte& others ,The Indus cradle and crossroads of civilizations, , embassy of federal republic of germany, Islamabad, 1997.

17. Grand, P.M, Prehistoric Art paleolithic painting and sculpture, The pallas library of art, New York, 1967.

دیده میشود در زندگی امروز این اقوام بدرستی قابل رویت است. شغل فعلی اکثر ایشان شکار است و این نشانگر تداوم آیین شکار در میان این اقوام می باشد. گویا تنها ابزار شکار تغییر شکل داده و رفتار و آیین، به قوت خود باقیست.

تصادفی و چوپانی بودن این نقوش باتوجه به اینکه اغلب چوپانها در منطقه زنان و کودکان هستند و گویا این رسمی دیرینه بوده است و از آنجاکه نقوش، بیشتر نمایش قدرت و مردانگیست بطوری که حتی در شمار بسیار زیادی از نقوش انسانی و حیوانی اندام نرینگی نقش شده. فرض اینکه چوپان‌هایی از سر تفنن مبادرت به نقر این نقوش کرده باشند درست بنظر نمی‌رسد.

◆ پی‌نوشت

1.Petroglyphs.

2.Rock Arts.

3.Campbell, Joseph

4.Anati, Emmanuel

5.Boas, Franz

۶- مهمان نوازی و محافظت از کسی که به آنها پناه آورده تا سرحد از دست دادن جان.

◆ فهرست منابع

۱- آموزگار، ژاله، تاریخ اساطیری ایران، انتشارات سمت، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۸.

۲- رفیع فر، جلال الدین، سنگ نگاره های ارسباران، نشر پژوهشکده مردم شناسی میراث فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.

۳- بواس، فرانتس، مردم شناسی هنر (هنرابتدایی)، ترجمه: جلال الدین رفیع فر، نشر گل آذین، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۱.

۴- سیگال، رابرت، اسطوره، ترجمه: احمدرضا تقاء، نشر ماهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۰.

۵- سلطانی، مجتبی، شمایل نگاری سنگ نگاره های قصرقد نیک شهر، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۹.

۶- فرهادی، مرتضی، مجموعه مقالات اولین و دومین هم اندیشی